

**Research in Curriculum Planning**

Vol 21. No 55(continus 82)

Fall 2024, Pages 80-100

پژوهشی در برنامه‌ریزی درسی

سال بیست و یکم، دوره دوم، شماره 55 (پیاپی 82)

پاییز 1403، صفحات 80-100

Efficient school, primary school, education and training in Iran**Marzieh Aghakhani¹, Badri Shahtalebi², Mohammad Ali Nadi³**¹ Ph. D Student in Educational Sciences, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) branch, Isfahan, Iran² Associate Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) branch, Isfahan, Iran³ Professor, Department of Educational sciences, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.**Abstract**

This research was conducted with the aim of designing and validating an efficient school model for the primary education system. The present research was descriptive-exploratory research with a mixed research approach (qualitative-quantitative sequential type), so that in the qualitative part, the method used was grounded theory (grounded) and based on the Strauss & Corbin (1990) approach and through three coding stages (open, axial and selective). The participants in the qualitative part included university professors in the fields of educational management and curriculum planning as well as executive experts in the field of education (including principals, teachers and education experts). To select the sample for the qualitative stage, the theoretical purposive sampling method was used and as a result, the researcher was able to access the opinions of 23 people. In the quantitative part, the method used was a survey. The statistical population of this part included principals, deputy principals and teachers in the primary education system of the country and the sample size was estimated at 384 people according to the Krejcie & Morgan (1970) table. The sampling method was as follows: based on the country's divisions, the country was divided into 5 regions: North, South, West, East, and Center. Using simple random sampling method, the provinces of Isfahan, Khorasan Razavi, Bushehr, Hamadan, and Golestan were selected as samples. Then, the sample ratio in each province was determined based on the number of principals, deputy principals, and teachers in these provinces. The data collection tool in the

Key Words: Efficient school, primary school, education and training in Iran.

طراحی و اعتباریابی الگوی مدرسه کارآمد**برای دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش****مرضیه آقاخانی¹، بدری شاه طالبی²، محمدعلی نادی³**¹ دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.² دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.³ استاد گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.**چکیده**

این تحقیق با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی مدرسه کارآمد برای دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش انجام شد. تحقیق حاضر، پژوهشی توصیفی - اکتشافی با رویکرد پژوهشی آمیخته (کیفی- کمی از نوع متوالی) بود بطوریکه در بخش کیفی، روش مورد استفاده، نظریه داده بنیاد و مبتنی بر رویکرد Strauss & Corbin (1990) و طی مراحل کدگذاری سه گانه ی (باز، محوری و گزینشی) بود. مشارکت کنندگان بخش کیفی، مشتمل بر اساتید دانشگاهی در رشته‌های مدیریت آموزشی و برنامه ریزی درسی و همچنین خبرگان اجرایی حوزه آموزش و پرورش در سال 1403 بود. جهت انتخاب نمونه، از شیوه نمونه گیری هدفمند نظری استفاده و محقق توانست به نظرات 23 نفر دسترسی یابد و مبتنی بر نظرات این تعداد از افراد اشباع نظری حادث گردید. در بخش کمی، روش مورد استفاده از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری این بخش، مشتمل بر مدیران، معاونان و معلمان دوره ابتدایی کشور و حجم نمونه با توجه به جدول Krejcie & Morgan (1970) 384 نفر برآورد گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر ابعاد و مولفه‌های بخش کیفی بود که پس از تایید روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که الگوی مدرسه کارآمد از حیث شرایط علی شامل 4 بعد تغییر سپهر آموزش کنونی، مدرسه به مثابه اجتماع، توسعه گفت‌وگوهای آموزشی و توسعه عدم تجانس‌ها و 12 مولفه، از حیث شرایط زمینه‌ای شامل 2 بعد مساله‌مندی مدرسه و رشد گرایش تحول گرایانه و 4 مولفه مرتبط بدان، از حیث شرایط مداخله‌گر شامل 2 بعد بازاندیشی انتقادی در آموزش و پرورش و بنیادگرایی آموزش و 5 مولفه مرتبط بدان، از حیث راهبردها مشتمل بر 4 بعد راهبرد تسهیل‌گیری جریان آموزش، نهادینه سازی سیستم باز، معناآفرینی آموزشی و بازآرایی محیطی و 9 مولفه مرتبط بدان و نهایتاً از حیث پیامدها دارای 3 پیامد فردی، اجتماعی و سازمانی و 6 مولفه مرتبط بدان است. لذا مبتنی بر الگوی مطروحه در این تحقیق، بنظر می‌رسد که بکارگیری این الگو می‌تواند به توسعه توانمندی‌های موجود و ظرفیت‌های بالقوه مدارس دولتی کشور در استفاده همزمان از اکتشاف و بهره برداری و دستیابی به تربیتی تحول گرایانه و تقویت روح خودشکوفایی و خودتحقق بخشی دانش آموزان و کادر مدرسه کمک نماید.

کلمات کلیدی: مدرسه کارآمد، دوره ابتدایی، آموزش و پرورش ایران.

مقدمه

مدرسه به عنوان نهادی که بیشترین ساعات عمر انسان را در اختیار دارد در بروز رفتارهای صحیح افراد بسیار نقش آفرین است. بنابراین، ایجاد محیط و فضای مساعد برای رشد و پرورش یادگیرندگان به عنوان یک نیاز ضروری، بیش از پیش احساس می‌شود (Perawironegoro, 2018). در آستانه هزاره سوم، مدارس نقش اساسی و اصلی در تحقق هدف‌های آموزش و پرورش و برآوردن انتظارات مردم و جامعه دارند که صداخته برای ایفای نقش مؤثر خویش در این زمینه، مستلزم بهره‌گیری از کلیه توانمندی‌های موجودند (Jafari, 2021). با این حال الگوی مدارس متداول فعلی شاید تنها در زمینه نیاز به سطح زیربنای کمتر و پیرو آن، هزینه ساخت کمتر، دارای مزیت نسبی است؛ اما از جهت اهداف اصلی دربردارنده فراهم‌سازی محیط مناسب برای پرورش هوش‌های چندگانه و شیوه‌های متنوع تدریس، دچار محدودیت بسیاری است (Pekkolay, 2021). به واقع در شرایط فعلی، اینکه چگونه مدارس با پیچیدگی‌های زمینه‌ای و جهانی موجود، برای ایجاد مدارس موفق و منحصربه‌فردی که منطبق با نیازهای جهانی و بومی باشند، مساله‌ای است که ذهن محققان را به خود مشغول کرده است. به عبارتی در مدارس هزاره سوم، بسیاری از نقش‌ها و وظایف بازتعریف شده است بطوری که مهمترین نقش مدارس در فرایند تعلیم و تربیت شامل موارد یادگیری مهارت‌ها، هویت، سطح دانش، زمینه عملکردی و توجه به عوامل شخصی است (Gurr, Drysdale, & Goode, 2022). لذا نظر به اهمیت ارتقای سطح پویایی و خلاقیت نظام فکری در نظام آموزشی هر کشور که نوعا به بخش تعلیم و تربیت آن مرتبط می‌شود نیاز است به این نظام و به خصوص مدارس ابتدایی که نوعا یکی از پیشران‌های نظام آموزشی و تربیتی هر کشوری هستند توجه ویژه‌ای گردد و تحول در ساختارهای فعلی آن مدنظر قرار گیرد (Walker, Hallinger, & Qian, 2018). در این راستا مفاهیم متنوع و متعددی مطرح شده است که از جمله این

مفاهیم نوظهور توجه به کارآمدسازی مدارس و شکل دهی مفهومی به نام مدارس کارآمد است. به واقع سیاست مدرسه‌ی کارآمد، زمینه ساز تبدیل مدیریت منفعل و هزینه ساز به مدیریت فعال و برنامه ریز است. در این سیاست، مدرسه محل تجلی مشارکت همه‌ی عوامل دخیل در امر آموزش و پرورش است (Pekkolay, 2021). ساختار مدرسه در راستای شکل دهی مدرسه کارآمد، نوعی سلسله مراتب است که به جای مانع تراشی در راستای حصول اهداف به کارکنان کمک کرده و سیستمی از قوانین و مقررات را ایجاد می‌کند که به جای اینکه شکست‌ها را تنبیه کند، راهنمای حل مشکلات باشد (Zahedipour, Oladian, & Hosseini, 2021). به نظر می‌رسد تحقق مدارس کارآمد این پتانسیل را دارد تا زمینه را برای ارتقای سطح روحیه‌ی مشارکت پذیری و مشارکت جویی در مردم و عوامل مدرسه (Ghasemzade, Maleki, & Moradiezzi, 2020)، رهاندن مدرسه‌ها از بحران‌ها و مشکلات مزمن و پیچیده‌ی اداری مثل بوروکراسی زمان‌بر، پرهزینه و خلاقیت‌کش (Gray, Kruse, & Tarter, 2016)، بهبود انگیزه شغلی در مدیران و معلمان برای ایجاد پویایی در مدرسه (Zahedipour et al, 2021)، قائل شدن به نقش فعال و سهم مناسب برای گردانندگان مدرسه در زمینه‌ی اتخاذ تصمیمات کارا و منسجم (Ramezani, 2023)، اعطای استقلال نسبی به معلمان در انتخاب روش‌های تدریس و اجرای آنها در کلاس درس (Rhoads, 2019)، ایجاد زمینه مناسب برای مدیریت فعال در راستای رهایی بخشی مدرسه از روزمرگی (Walker et al, 2018) و بهبود مکانیزم نظارت و ارزشیابی صحیح عوامل مدرسه در مسیر تشویق شایسته آن‌ها و رسیدگی به تخلفات احتمالی (Pekkolay, 2021) فراهم کند.

از طرف دیگر به زعم متخصصان تعلیم و تربیت، مهم‌ترین و اساسی‌ترین دوره نظام آموزشی، دوره ابتدایی است که در ایجاد تحولات اساسی در جوامع و پیشرفت آنها نقش مهمی را ایفا می‌کند (Ramezani, 2023). نظر

به اهمیت این دوره تحصیلی در شکل دهی شخصیت دانش آموزان، بررسی این مساله مهم است که چگونه می‌توان با فراهم آوردن شرایط و فضای مساعد در چارچوب سیاست‌ها و خط مشی‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت، مشارکت جویی و مشارکت پذیری را در سطح مدرسه ارتقا داد و در عین حال زمینه‌ی خود راهبری و خلاقیت، هویت و استقلال نسبی و پویایی در مدرسه را مهیا نمود. از این رو در سال‌های اخیر توجه به انواع ساختارهای مرتبط با این مدارس که بتواند اهداف مزبور را در این دوره مهم تحصیلی فراهم سازد، مدنظر بوده است (Rhoads, 2019). دوره ابتدایی در شرایط کنونی، با مشکلات متنوعی روبروست که از آن به عنوان مساله مدرسه نام برده می‌شود. ناکامی در پرورش سوژه مدون، بیماری‌های رفتاری، روانی، عاطفی و اجتماعی، عدم شکل‌گیری سوژه آرمانی و مطلوب و وجود فضایی گرم و یادگیرنده، فقر قابلیت‌ها، فقدان تعادل و توازن بین عقلانی ابزاری و عقلانیت ارتباطی، سرنوشت دانش آموز کنونی را مشکل مواجه نموده است (Parlar & Cansoy, 2017).

از طرف دیگر در خصوص پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق، (Gurr et al (2022 در پژوهشی با عنوان مدل سیستم‌های باز در رهبری موفق مدارس جدید، به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌ها و مختصات هزاره سوم از جمله مواردی است که در کنار اثربخشی و مدیریت مدارس امروزی باید مدنظر قرار بگیرد.

(Pekkolay (2022 در پژوهشی با عنوان مدیریت مدرسه در راستای شکل دهی مدرسه اثربخش، نشان داد که یک مدیر اثربخش بر موفقیت در مدرسه تأکید کرده، فضای مثبتی در مدرسه ایجاد می‌کند، دانش آموزان را از نظر موفقیت و ارزش‌های اخلاقی زیر نظر می‌گیرد و استراتژی‌های جدیدی را در تدریس تدوین می‌کند. مطابق رسالت و چشم‌انداز مدرسه به فرهنگ سازمانی کمک می‌کند. (Ebrahimi Tabar et al (2023 در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی مدیریت اثربخش در مدارس هزاره سوم عنوان داشتند که در الگوی مطروحه،

عوامل علی‌شناسایی شده شامل: تربیت معلمان اثربخش، تربیت مدیران اثربخش، بازنگری در محتوای درسی و... عوامل زمینه‌ای شامل: بازنگری در قوانین و آیین‌نامه‌ها، تغییرات در نوع انتصابات، توانمندسازی معلمان و مدیران و... بودند. عوامل مداخله‌ای شامل: عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی و... راهبردها شامل: بازنگری در پذیرش و جذب معلم، استقلال در پرورش و انتصاب مدیران مدارس و... پیامدها شامل: کارآمدی معلمان و مدیران مدارس، دانش آموزان توانمند و رضایت از تحصیل بودند. Izan (2022) & Ahmadialiabadi در پژوهشی با عنوان واکاوی تجربه زیسته مدیران و معلمان از فرصت‌ها و چالش‌های طرح مدرسه توانمندساز و ارائه راهکارهایی برای غلبه بر چالش‌های آن، به شیوه‌ای کیفی و با مصاحبه از مدیران و معلمان به این نتیجه رسیدند که نیازسنجی علمی و آموزشی معلمان، توسعه مسئولیت معلمان در ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای خود، رشد و توسعه حرفه‌ای معلمان، ارتقای کیفیت نظام تربیت معلم، تقویت هویت مدرسه از ارکان مدرسه توانمندساز می‌باشد. (Zahedipour & et al (2021 در پژوهشی با عنوان ارائه الگوی مدارس اثربخش مبتنی بر سازمان یادگیرنده (مطالعه موردی: مدارس مقطع ابتدایی شهر تهران)، نشان دادند که دوازده مولفه در ارائه الگوی مدارس اثربخش مبتنی بر سازمان یادگیرنده نقش دارند که به ترتیب اولویت عبارتند از: شایستگی‌های معلمان، سیاست‌های آموزشی، توانمندسازی نیروی انسانی، فعالیت‌های فوق برنامه، استقرار نظام یاددهی و یادگیری، شایستگی‌های مدیران، امکانات تکنولوژیک، آینده‌نگری، روش‌ها و ابزار نوآورانه، ارتقای سطح سلامت، بهداشت و ایمنی مدرسه، اعتقاد به خرد جمعی، مدیریت و رهبری، به عنوان مولفه‌ها و شاخص‌های موثر بر ارائه الگوی مدارس اثربخش مبتنی بر سازمان یادگیرنده در مدارس مقطع ابتدایی شهر تهران است.

با این حال مذاقه در بررسی‌های انجام شده در حوزه حل مساله مدرسه نشان می‌دهد که این تحقیقات هر یک کوشیده‌اند ظرفیت سازی مدرسه را بررسی کرده

که نتیجتاً محقق توانست به نظرات 23 نفر دسترسی داشته باشد و مبتنی بر نظرات این تعداد از افراد اشباع نظری حادث گردید.

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی عبارت بود از بکارگیری مصاحبه نیمه ساختاریافته. بطوریکه متن حاصل از پیاده سازی این مصاحبه ها با افراد مورد مطالعه، مواد اولیه و اصلی پژوهش جهت استخراج مفاهیم و مقوله ها در راستای تدوین الگوی تحقیق را فراهم کرده است. برای انجام مصاحبه هماهنگی لازم با افراد انجام شد. مراحل انجام مصاحبه شامل: الف) طراحی سوالات، ب) انتخاب افراد و ج) ضبط و پیاده سازی محتوای مصاحبه ها جهت انجام تحلیل های کدگذاری آتی بوده است.

از طرف دیگر در پژوهش های مبتنی بر روش نظریه داده بنیاد، با ایجاد تمهیداتی سعی می شود تا معیارهای دقت رعایت گردد. برای اطمینان از اینکه تفسیر داده ها، منعکس کننده پدیده مورد مطالعه است، در تحقیق حاضر از بازنگری توسط شرکت کنندگان، مرور توسط افراد غیر از شرکت کنندگان، تلفیق مکانی و تلفیق شرکت کنندگان استفاده شد و همچنین پژوهشگر جهت بازنگری داده ها، با ارائه داده ها به صورت کدهای به دست آمده به افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، از آنها خواست تا با مرور کدها و سوالات مصاحبه به ارائه پیشنهاداتی در رابطه با مقوله بندی (کدهای محوری) کدهای باز بپردازند و در صورتی که پیشنهادی برای تغییر این کدها و مقوله بندی آنها دارند، ارائه دهند. گفتنی است در این تحقیق استفاده از تلفیق مکانی، به این معناست که مصاحبه های پژوهش در بین خبرگان و اعضای هیات علمی و همچنین خبرگان آموزش و پرورش (غیر دانشگاهی) انجام شده است و استفاده از تلفیق شرکت کنندگان نیز به این معناست که از اعضای هیات علمی (خبرگان دانشگاهی) و خبرگان حوزه آموزش و پرورش با تخصص های ویژه هریک و نیز اساتید زن و مرد در مصاحبه استفاده شد که این کار باعث افزایش روایی و پایایی مقوله ها و روابط بین آنها که در واقع اعتباریابی نظریه است، می گردد.

ساختاری متمایز از مدرسه سنتی ارائه نمایند. با این حال هر یک در صورت بندی مدرسه کارآمد با خلاء روشی و جامعیت روبرو هستند و این امر نوعاً شکاف مهم تحقیقاتی است که محقق در تحقیق حاضر به دنبال بررسی و رفع این خلاء پژوهشی است. از این رو پژوهش حاضر قصد دارد ضمن مطالعه تحقیقات گذشته و شناسایی خلاء های موجود، به ارائه الگوی نظام مند از مدرسه کارآمد بپردازد. از این رو پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به دو سوال است: اول آنکه الگوی مدرسه کارآمد برای دوره ابتدایی آموزش و پرورش دولتی ایران چگونه است؟ و دوم آنکه این الگو از چه درجه اعتباری برخوردار است؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد پژوهشی آمیخته (کیفی- کمی از نوع متوالی) است که توضیحات مبسوط هر بخش به شرح زیر ذکر شده است:

الف- بخش کیفی پژوهش: روش مورد استفاده در این بخش، نظریه داده بنیاد (زمینه ای) با رویکرد استقرایی است. رویکرد نظریه زمینه ای مورد استفاده در پژوهش حاضر رویکرد (Strauss & Corbin, 1990) است. در این رویکرد محقق، به دنبال توسعه نظریه ای است که به تبیین فرایند، کنش و تعامل در موضوع مورد مطالعه خود بپردازد. لذا پژوهشگر از طریق عمل نظام مند پژوهش، معانی موجود در داده ها را کشف و طی مراحل کدگذاری سه گانه ی (باز، محوری و گزینشی)، معانی کشف شده را در ظرف های مقوله ای تا حدی از قبل مشخص (مدل پارادایمی) می ریزد و نظریه داده بنیاد را ارائه داده است. از طرف دیگر مشارکت کنندگان بخش کیفی، مشتمل بر اساتید دانشگاهی در رشته های مدیریت آموزشی و برنامه ریزی درسی و همچنین خبرگان اجرایی حوزه آموزش و پرورش (اعم از مدیران، دبیران و کارشناسان آموزش و پرورش در سال 1403 بوده است. همچنین جهت انتخاب نمونه مرحله کیفی با توجه به ماهیت ظهوریابنده پژوهش کیفی، از شیوه نمونه گیری هدفمند نظری استفاده شد

شرح زیر بوده است:

۱- ابتدا براساس تقسیمات کشوری به لحاظ جغرافیایی، کشور به ۵ منطقه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده استان های اصفهان، خراسان رضوی، بوشهر، همدان، گلستان به عنوان نمونه انتخاب شدند که براساس اطلاعات حاصل، تعداد افراد مدنظر این ۵ استان، 49038 نفر گزارش شده است.

۲- در مرحله دوم سهم هریک از استان های انتخاب شده برحسب تعداد مدیران و معاونان و معلمان اخذ گردید و نسبت نمونه در هر استان مشخص شد. جدول زیر حجم جامعه و نمونه را در استان های مورد مطالعه نشان می دهد.

جدول 1- حجم جامعه و نمونه استان های منتخب		
استان	جامعه	نمونه
خراسان رضوی	16392	128
بوشهر	4654	36
همدان	7740	61
اصفهان	11992	94
گلستان	8260	65
مجموع	49038	384

۳- در مرحله سوم پرسشنامه به ادارات کل آموزش و پرورش استان ها ارسال و پس از تکمیل بازگشت داده شد. در این مرحله از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شده است. برحسب سهم نمونه هر استان تعداد پرسشنامه های مورد نیاز به شرح جدول فوق، به صورت سهل الوصول در اختیار مدیران مدارس قرار گرفت.

از طرف دیگر ابزار گردآوری داده های تحقیق در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر ابعاد و مولفه های بخش کیفی بوده است که پس از تایید روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. بطور کلی پرسشنامه تحقیق در دو بخش طراحی شد. بخش اول مرتبط با متغیرهای جمعیت شناختی و بخش دوم مرتبط با سوالات اصلی پرسشنامه تحقیق با عنایت به طیف لیکرت

از طرف دیگر پس از انجام مصاحبه اکتشافی با خبرگان در خصوص موضوع تحقیق، داده های جمع آوری شده در مصاحبه مورد تحلیل کیفی به کمک روش داده بنیاد قرار گرفت. مدل تحقیقی ارایه شده مبتنی بر روش داده بنیاد در این تحقیق مبتنی بر مدل استراوس و کوربین بوده است که دارای روش سیستماتیک و سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است (Danaeifard & Eslami, 2010):

گام اول یا کدگذاری باز مراحل چون تحلیل و کدگذاری، کشف طبقه ها، توصیف طبقه ها با توجه به خصوصیات آنها، جدول کدگذاری باز را شامل می شود. گام دوم کدگذاری محوری خود مشتمل بر شرایط علی (مجموعه ای از طبقه ها و ویژگی هایشان است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می دهند)، راهبردها (بیانگر رفتارها و تعاملات هدفداری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله گر و بستر حاکم حاصل می شوند)، بستر حاکم (به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می گذارند بستر گفته می شود)، شرایط مداخله گر (شرایطی هستند که راهبردها از آنها متأثر می شوند. این شرایط را مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می دهند)، پیامدها (برخی از طبقه ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می آیند).

گام سوم: کدگذاری انتخابی (گزینشی): روند انتخاب مقوله اصلی به طور منظم و سیستماتیک آن با سایر مقوله ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند.

ب- بخش کمی پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع پژوهش های کاربردی و از حیث روش مورد استفاده از نوع پیمایشی و از حیث زمانی، مقطعی (تک ضربه ای) بوده است. جامعه آماری این بخش، مشتمل بر مدیران و معاونان و معلمان دوره ابتدایی کشور بوده است. همچنین حجم نمونه در پژوهش حاضر با توجه به جدول Krejcie & Morgan (1970)، 384 نفر برآورد گردید. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر در بخش کمی به

5 گزینه ای (از خیلی کم تا خیلی زیاد). ضمنا گویه های این پرسشنامه مجموعاً 145 گویه را دربر می گرفت. همچنین به منظور سنجش روایی ابزار سنجش متغیرها از دو روش نسبت روایی محتوا و روایی صوری استفاده شد. بطوریکه برای سنجش روایی محتوا، از نسبت روایی محتوای لاوشره استفاده شد، با استفاده از فرمول زیر:

$$CVR = \frac{ne - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

CVR نسبت روایی محتوایی، Ne متخصصانی که گویه ی موردنظر را در پرسشنامه مناسب دانسته اند و N: تعداد متخصصانی که پرسشنامه را بررسی کرده اند. به منظور محاسبه شاخص (CVR) پرسشنامه مربوط به مفاهیم اصلی پژوهش در اختیار 8 نفر از صاحب نظران و اعضای هیئت علمی رشته مدیریت آموزشی دانشگاه قرار گرفت تا میزان و فراوانی موافقت هر یکی از این افراد با گویه های پرسشنامه براساس طیف سه قسمتی «ضروری است»، «مفید است ولی ضروری نیست» و «ضروری نیست» مشخص شود و بر مبنای اطلاعات گردآوری شده از متخصصین نسبت روایی محتوا برای هر یک از گویه ها به شرح جداول زیر محاسبه و گزارش گردید که نتیجتاً شاخص های برآورده شده برای کلیه شاخص ها در محدوده مورد تایید قرار گرفت. از

طرف دیگر در پژوهش حاضر، در این پژوهش، روایی صوری یا ظاهری پرسشنامه توسط چند نفر از خبرگان آشنا به موضوع تحقیق مورد تایید قرار گرفت. همچنین برای سنجش پایایی پرسشنامه، از آلفای کرونباخ برای بررسی سازگاری درونی گویه های پرسشنامه به تفکیک ابعاد استفاده شد که نتایج نشان داد ضریب الفای کرونباخ همگی ابعاد، بالاتر از 0/7 بوده و نشان از دقت بالای ابزار اندازه گیری استفاده شده دارد. پس از توزیع و تکمیل پرسشنامه ها توسط جامعه هدف تحقیق، اطلاعات موجود در پرسشنامه ها کدگذاری و با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS و Amos26 (جهت اجرای تحلیل عاملی تاییدی) در 2 بخش توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. ضمناً سطح معناداری در تمامی فرضیه های تحقیق (α=0/05) در نظر گرفته شد.

یافته های تحقیق

- یافته های بخش کیفی

پس از انجام مصاحبه با 23 نفر، داده های احصا شده کدگذاری (بر مبنای مراحل 3 گانه باز، محوری و انتخابی)، تحلیل و در انتها، مدل مفهومی تحقیق ارائه شد. در جدول 2 نمونه ای از کدگذاری باز (گام اول) 3 نفر از مصاحبه شوندگان به تصادف آورده شده است.

جدول 2- نمونه ای از کدگذاری باز مصاحبه های انجام شده (انتخاب متن 3 نفر مصاحبه شونده به تصادف)

نفر مصاحبه شده	گزیده ای از متن مصاحبه ها	استخراج کدهای اولیه از مصاحبه انجام شده
نفر 5	مدرسه به عنوان خانه دوم دانش آموز باید بتواند انگیزه لازم را برای تلاش دانش آموز ایجاد کند تا فراگیر بتواند به دور از اضطراب و تنش های جامعه برای رسیدن به اهداف خود تلاش کند و همچنین حس شادابی و سرزندگی را در دانش آموز زنده نگه دارد. تمام افرادی که در مدرسه مشغول به فعالیتند اعم از مدیر، دبیران و دانش آموزان می توانند در ایجاد مدرسه کارآمد نقش داشته باشند. همچنین مدیریت در سطح بالاتر- والدین و تمام ارگان هایی که تولید علم می کنند می توانند کمک کننده باشند. ضمناً بالا بردن سطح علم و دانش از طریق برگزاری سخنرانی با از این طریق میتوان سطح آگاهی اهالی مدرسه را بالا برد و در آنها ایجاد انگیزه کرد برای	ایجاد انگیزه در دانش آموزان ایجاد حس شادابی و سرزندگی در دانش آموز توجه به نقش آفرینی کلیه کادر مدرسه در بهبود شرایط نقش آفرینی والدین دانش آموزان نقش آفرینی نهادهای حاکمیتی

ارائه طرح های نو و ایجاد مدرسه کارآمد. نهایتا پیامد مدارس کارآمد برای نظام آموزشی و نیز جامعه، سوق دادن نظام آموزشی و جامعه به سمت آینده ای روشن است.	ارتقای سطح آگاهی کادر مدرسه ایجاد انگیزه در بین کادر مدرسه
8 نفر	برای ایجاد مدرسه کارآمد پتانسیل هایی چون مدیریت صحیح که با استفاده از ظرفیت ها و امکانات و مشارکت فعال مجموعه ی عوامل انسانی، بر اساس نیازهای واقعی افراد- اقدام به برنامه ریزی نماید. معلمان با انگیزه که خواهان ارتقاء دانش تخصصی و مهارت حرفه ای معلمان باشند، نیاز است. همچنین عواملی دیگری مثل مسئولین اداری آموزش و پرورش- اولیای دانش آموزان- خیرین و افراد فعال در زمینه های آموزشی و پرورشی، هماهنگی و همکاری ارگان مالی وابسته به آموزش و پرورش برای تحقق این مدارس نیاز است. بنظرم برای کارآمد کردن مدارس باید از روش هایی چون: کمک به مدرسه محور شدن و درآمدن مدرسه از قالب متمرکز بودن به نیمه متمرکز و غیر متمرکز- درگیر کردن معلمان- کادر مدرسه و اولیا دانش آموزان در این طرح جامعه پویا و آگاه- استفاده از برنامه های مناسب در جهت شکوفا کردن مدارس، استفاده کرد. پیامد مدارس کارآمد شامل: افزایش مهارت های حرفه ای معلمان ، انگیزه کادر اجرایی و آموزشی این مدارس جهت تحول اساسی و ایجاد تغییر در نظام مدرسه محوری، تبدیل مدارس به مدارس جدید و پیشرفته با عصر تکنولوژی کنونی جهان، هماهنگ شدن با جهان آموزشی و شیوه های نوین یادگیری و تدریس
20 نفر	پتانسیل هایی مثل قدرت اجرایی مدیر مدرسه، رشد و توانمندی معلم، امکانات تکنولوژی و وسایل کمک آموزشی موجود در مدرسه، فضای آموزشی مناسب خانواده دانش آموزان، سیستم آموزشی دانشگاه فرهنگیان، مسئولین سیاسی کشور به کارآمد شدن مدارس کمک میکنند. برای کارآمد کردن مدارس، در اولین وهله باید استخدام و مصاحبه ی معلمان به صورت دقیق صورت گیرد. از نیروهای متخصص در مدارس استفاده شود. پایه های آموزشی معلمان تقویت شود. معلمان اطلاعات خود را به روز کنند و از فنون تازه و به روز سود جویند. در مدارس کارآمد از برنامه های مکمل آموزشی، فوق برنامه ها، طرح های علمی، ورزشی، تفریحی و استفاده شود. در این مدارس قوه تفکر، تجزیه و تحلیل دانش آموز رشد می کند به طوری که دانش آموز در حد خود به فکر کردن واداشته می شود تا آمادگی کافی برای تصمیم گیری در موقعیتهای پیش روی آینده را داشته باشد. در چنین
	استفاده از ظرفیت ها و امکانات مشارکت فعال مجموعه ی عوامل انسانی مدرسه دانش تخصصی و مهارت حرفه ای معلمان معلمان با انگیزه برنامه ریزی صحیح براساس نیازهای واقعی مدرسه استفاده از ظرفیت خیرین و افراد فعال در زمینه های آموزشی هماهنگی و همکاری ارگان های مالی وابسته به آموزش و پرورش درآمدن مدرسه از قالب متمرکز بودن به نیمه متمرکز و غیر متمرکز درگیر کردن معلمان استفاده از برنامه های مناسب در جهت شکوفا کردن مدارس هماهنگی و تعامل اولیا با کادر مدرسه افزایش مهارت های حرفه ای معلمان بهبود انگیزه کادر مدرسه هماهنگ شدن با جهان آموزشی و شیوه های نوین یادگیری و تدریس تبدیل مدارس به مدارس جدید و پیشرفته وسایل کمک آموزشی فضای آموزشی مناسب قدرت اجرایی مدیر مدرسه توانمندی معلم به روز رسانی اطلاعات معلم برنامه های مکمل آموزشی و فوق برنامه ها رشد دانش آموزان

مدرسه ای توجه ویژه ای به استعدادها، توانمندیها، شرایط خانوادگی، محیطی و اخلاقی دانش آموزان صورت می گیرد که در مجموع به اقتضای وضعیت هر فرد با او برخورد مناسبی می شود. در چنین مدرسه ای بین خانواده و مدرسه یک تعامل هماهنگ و اصولی برقرار می شود و والدین واقعا در مدرسه حضور دارند و با کادر مدرسه همکاری و همدلی می کنند. در مدرسه ی کار آمد استعداد همه ی دانش آموزان کشف می شود.	توجه استعدادها، توانمندیهای دانش آموزان تعامل هماهنگ بین خانواده و مدرسه کشف استعداد دانش آموزان
---	--

پس از بررسی و تحلیل 23 مصاحبه انجامی، نتیجتاً **گام دوم: کدگذاری محوری**
 244 کد اولیه استخراج شد.
 در این مرحله با امتزاج مولفه های مستخرج اولیه در
 مرحله کدگذاری باز، مقوله ها شکل می گیرند. نتایج این
 کدگذاری در جدول 3 آورده شده است.

جدول 3- کدگذاری محوری

مقولات (ادغام مفاهیم)	کدهای ثانویه یا مفهومی (ادغام کدهای اولیه بدست آمده از جدول 3)
شرایط علی	
تغییر سپهر آموزشی کنونی	تحول در نگاه به نظام مدرسه داری کنونی تحول در ظرفیت منابع انسانی تحول در گزینش (افراد، محتوا، روش ها و...)
توسعه گفتمانهای آموزشی	هماهنگی با سناریوهای نوین شالوده شکنی در آموزش توسعه گفتمان های آموزشی متکثر تغییر در پیش فرض های برنامه درسی توجه به تفاوت های فردی
تکثرگرایی	رشد چند صدایی و چند فرهنگی ارتقای گرایش به همکاری و اقدام جمعی توجه به یادگیری گروهی و جمعی مدرسه کانون زندگی
شرایط زمینه ای	
مساله مندی مدرسه	چالش های منابع انسانی کمبود ظرفیت های فیزیکی مادی رشد ظرفیت نقش آفرینی معلمان وجود ظرفیت نقش آفرینی اولیای دانش آموزان
شرایط مداخله ای	
بازاندیشی انتقادی در آموزش و پرورش	نقصان آگاهی و صلاحیت محیطی کمبود توجه به توسعه علم به مثابه قدرت عدم پیوند آموزش با زندگی واقعی تمرکززدایی آموزشی فقدان جهان بودگی نظام آموزشی
بنیادگرایی آموزشی	

راهِبردها	
تسهیل‌گیری جریان آموزش	ساخت شکنی پیش فرض های یادگیری تجربه محوری
نهادینه سازی سیستم باز	توجه به زیست بوم یادگیری کثرت‌گرایی ارتباطی اقتدارزدایی
معناآفرینی آموزشی	تاکید بر سوژه شهروندی خلق صورت بندی جدید آموزشی
بازآرایی محیطی	تجدید ساختار محیطی غنی سازی محیط آموزشی
پیامدها	
پیامد فردی	ساخت شکنی در ساحت های توانمندی
پیامد اجتماعی	توسعه شهروند فعال مدنی خلق هم‌نوایی اجتماعی
پیامدهای سازمانی	مدیریت سایش اجتماعی تجدیدساختار سازمانی تحولات فرآیندی-محتوایی

به آن مقوله مرکزی است. در واقع هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه های تولید شده در مرحله قبل است. این کار براساس مدل پارادایم انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند تا فرآیند نظریه را به سهولت انجام دهد. نتایج این کدگذاری در قالب نمودار 1 ارائه شده است.

پس از تعیین مقولات به شرح جدول فوق، این مقولات به عنوان طبقات کلی نظریه برای ادامه مسیر نظریه پردازی داده بنیاد مورد نظر قرار گرفتند.

گام سوم: کد گذاری انتخابی

این نوع از کدگذاری در واقع فرآیند انتخاب یک مقوله، برای مقوله مرکزی و مرتبط ساختن تمام مقولات دیگر



نمودار 1-مدل مفهومی تحقیق

- یافته های بخش کمی
این مهم در واقع پاسخی است به سوال اعتباریابی مدل
نظر به مدل مطروحه تحقیق (نمودار 1)، در این بخش
تحقیق یافته های بدست آمده (جداول 4 تا 8) بیانگر آن
از تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار Amos26
است تمامی بارهای عاملی ابعاد پرسشنامه بالاتر از 0/5
جهت روایی سازه ابعاد این مدل استفاده شده است که
است و لذا مورد تایید قرار گرفتند.

جدول 4- روابط مفاهیم با مقوله های فرعی در مولفه های اصلی مرتبط با عوامل علی مدل تحقیق

مولفه اصلی تغییر سپهر آموزشی کنونی							
مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
تحول در نگاه به نظام مدرسه داری کنونی	0/981	0/001	سؤال 1	0/547	0/001	10/795	مناسب
			سؤال 2	0/822	0/001	18/359	مناسب
			سؤال 3	0/662	0/001	-	مناسب
	0/942	0/001	سؤال 4	0/834	0/001	18/671	مناسب
تحول در ظرفیت منابع انسانی			سؤال 5	0/776	0/001	16/854	مناسب
			سؤال 6	0/798	0/001	17/545	مناسب
			سؤال 7	0/739	0/001	15/799	مناسب
			سؤال 8	0/674	0/001	-	مناسب
تحول در گزینش	0/911	0/001	سؤال 9	0/761	0/001	16/022	مناسب
			سؤال 10	0/744	0/001	13/296	مناسب
			سؤال 11	0/799	0/001	17/801	مناسب
			سؤال 12	0/641	0/001	15/949	مناسب
			سؤال 13	0/747	0/001	16/632	مناسب
			سؤال 14	0/713	0/001	-	مناسب
مولفه اصلی توسعه گفتمان های آموزشی							
مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
هماهنگی با سناریوهای نوین	0/951	0/001	سؤال 15	0/740	0/001	18/034	مناسب
			سؤال 16	0/790	0/001	20/270	مناسب
			سؤال 17	0/846	0/001	23/298	مناسب
			سؤال 18	0/748	0/001	18/380	مناسب
شالوده شکنی در آموزش	0/990	0/001	سؤال 19	0/770	0/001	-	مناسب
			سؤال 20	0/764	0/001	19/624	مناسب
			سؤال 21	0/842	0/001	23/930	مناسب
			سؤال 22	0/853	0/001	24/638	مناسب
			سؤال 23	0/726	0/001	17/861	مناسب
			سؤال 24	0/713	0/001	-	مناسب
توسعه گفتمان های آموزشی متکثر	0/971	0/001	سؤال 25	0/803	0/001	21/297	مناسب
			سؤال 26	0/817	0/001	22/047	مناسب
			سؤال 27	0/796	0/001	20/946	مناسب
			سؤال 28	0/816	0/001	-	مناسب

تغییر در	0/942	0/001	سؤال 29	0/787	0/001	16/824	مناسب
پیش‌فرض‌های برنامه			سؤال 30	0/670	0/001	11/336	مناسب
درسی			سؤال 31	0/540	0/001	15/313	مناسب
			سؤال 32	0/712	0/001	20/058	مناسب
			سؤال 33	0/834	0/001	-	مناسب

مولفه اصلی تکرگرای

مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
توجه به تفاوت‌های فردی	0/782	0/001	سؤال 34	0/822	0/001	20/724	مناسب
			سؤال 35	0/767	0/001	18/418	مناسب
			سؤال 36	0/850	0/001	21/939	مناسب
			سؤال 37	0/900	0/001	-	مناسب
رشد چندصدایی و چندفرهنگی	0/718	0/001	سؤال 38	0/895	0/001	19/203	مناسب
			سؤال 39	0/832	0/001	18/059	مناسب
			سؤال 40	0/820	0/001	-	مناسب

مولفه اصلی مدرسه به مثابه اجتماع

مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
ارتقای گرایش به همکاری و اقدام جمعی	0/782	0/001	سؤال 41	0/611	0/001	13/543	مناسب
			سؤال 42	0/826	0/001	22/506	مناسب
			سؤال 43	0/872	0/001	25/491	مناسب
			سؤال 44	0/843	0/001	-	مناسب
توجه به یادگیری گروهی و جمعی	0/718	0/001	سؤال 45	0/813	0/001	22/015	مناسب
			سؤال 46	0/895	0/001	27/555	مناسب
			سؤال 47	0/776	0/001	20/047	مناسب
			سؤال 48	0/754	0/001	19/036	مناسب
			سؤال 49	0/821	0/001	-	مناسب
مدرسه کانون زندگی	0/718	0/001	سؤال 50	0/803	0/001	20/700	مناسب
			سؤال 51	0/841	0/001	22/704	مناسب
			سؤال 52	0/830	0/001	22/099	مناسب
			سؤال 53	0/755	0/001	-	مناسب

جدول 5- روابط مفاهیم با مقوله‌های فرعی در مولفه‌های اصلی مرتبط با عوامل زمینه‌ای مدل تحقیق

مساله‌مندی مدرسه

مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
چالش‌های منابع انسانی	0/732	0/001	سؤال 1	0/785	0/001	14/669	مناسب
			سؤال 2	0/521	0/001	9/759	مناسب
			سؤال 3	0/803	0/001	15/014	مناسب
			سؤال 4	0/857	0/001	15/999	مناسب

مناسب	13/800	0/001	0/738	سؤال 5			
مناسب	15/813	0/001	0/847	سؤال 6			
مناسب	14/361	0/001	0/768	سؤال 7			
مناسب	-	0/001	0/710	سؤال 8			
مناسب	7/440	0/001	0/813	سؤال 9	0/001	0/602	کمبود ظرفیت‌های فیزیکی مادی
مناسب	8/464	0/001	0/895	سؤال 10			
مناسب	8/828	0/001	0/776	سؤال 11			
مناسب	9/621	0/001	0/754	سؤال 12			
مناسب	9/504	0/001	0/821	سؤال 13			
مناسب	9/154	0/001	0/821	سؤال 14			
مناسب	-	0/001	0/821	سؤال 15			
مؤلفه اصلی رشد گرایش‌های تحول‌گرایانه							
نتیجه	مقادیر بحرانی	سطح معناداری	بار عاملی	مفاهیم	سطح معناداری	بار عاملی	مقوله فرعی
مناسب	13/078	0/001	0/729	سؤال 16	0/001	0/850	رشد ظرفیت
مناسب	14/192	0/001	0/800	سؤال 17			نقش‌آفرینی معلمان
مناسب	-	0/001	0/733	سؤال 18			
مناسب	12/492	0/001	0/703	سؤال 19	0/001	0/763	وجود ظرفیت
مناسب	-	0/001	0/728	سؤال 20			نقش‌آفرینی اولیای دانش‌آموزان

جدول 6- روابط مفاهیم با مقوله‌های فرعی در مؤلفه‌های اصلی مرتبط با عوامل مداخله گر مدل تحقیق

مؤلفه بازاندیشی انتقادی در آموزش و پرورش							
نتیجه	مقادیر بحرانی	سطح معناداری	بار عاملی	مفاهیم	سطح معناداری	بار عاملی	مقوله فرعی
مناسب	18/786	0/001	0/830	سؤال 1	0/001	0/971	نقصان آگاهی و صلاحیت محیطی
مناسب	-	0/001	0/671	سؤال 2			
مناسب	16/950	0/001	0/764	سؤال 3	0/001	0/908	کمبود توجه به توسعه علم به مثابه قدرت
مناسب	22/566	0/001	0/923	سؤال 4			
مناسب	-	0/001	0/747	سؤال 5			
مناسب	20/833	0/001	0/882	سؤال 6	0/001	0/772	علم پیوند آموزش با زندگی واقعی
مناسب	15/488	0/001	0/721	سؤال 7			
مناسب	-	0/001	0/583	سؤال 8			
مؤلفه اصلی بنیادگرایی آموزشی							
نتیجه	مقادیر بحرانی	سطح معناداری	بار عاملی	مفاهیم	سطح معناداری	بار عاملی	مقوله فرعی
مناسب	8/632	0/001	0/494	سؤال 9	0/001	0/832	تمرکززدایی آموزشی
مناسب	10/894	0/001	0/631	سؤال 10			
مناسب	-	0/001	0/712	سؤال			

مناسب	9/064	0/001	0/885	سؤال 11	0/001	0/753	فقدان جهان‌بودگی نظام آموزشی
مناسب	8/756	0/001	0/787	سؤال 12			
مناسب	8/710	0/001	0/775	سؤال 13			
مناسب	-	0/001	0/461	سؤال 14			
				سؤال 15			

جدول 7- روابط مفاهیم با مقوله‌های فرعی در مولفه‌های اصلی مرتبط با راهبردهای مدل تحقیق

مولفه اصلی تسهیل‌گری جریان آموزش							
مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
ساخت‌شکنی پیش‌فرض‌های یادگیری	0/961	0/001	سؤال 1	0/503	0/001	10/618	مناسب
			سؤال 2	0/797	0/001	21/680	مناسب
			سؤال 3	0/766	0/001	20/042	مناسب
			سؤال 4	0/825	0/001	23/388	مناسب
			سؤال 5	0/890	0/001	10/894	مناسب
تجربه‌محوری	0/960	0/001	سؤال 6	0/917	0/001	29/800	مناسب
			سؤال 7	0/871	0/001	25/876	مناسب
			سؤال 8	0/817	0/001	-	مناسب
			سؤال 9	0/872	0/001	26/216	مناسب
توجه به زیست‌بوم یادگیری	0/972	0/001	سؤال 10	0/898	0/001	28/336	مناسب
			سؤال 11	0/786	0/001	20/834	مناسب
			سؤال 12	0/843	0/001	24/200	مناسب
			سؤال 13	0/810	0/001	-	مناسب
مولفه اصلی نهادینه‌سازی سیستم باز							
مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
کثرت‌گرایی ارتباطی	0/961	0/001	سؤال 14	0/770	0/001	20/007	مناسب
			سؤال 15	0/781	0/001	20/512	مناسب
			سؤال 16	0/747	0/001	18/832	مناسب
			سؤال 17	0/861	0/001	25/270	مناسب
			سؤال 18	0/725	0/001	17/943	مناسب
			سؤال 19	0/803	0/001	21/681	مناسب
			سؤال 20	0/911	0/001	-	مناسب
			سؤال 21	0/905	0/001	14/428	مناسب
اقتدارزدایی	0/960	0/001	سؤال 22	0/740	0/001	12/425	مناسب
			سؤال 23	0/756	0/001	12/624	مناسب
			سؤال 24	0/758	0/001	12/653	مناسب

مناسب	-	0/001	0/633	سؤال 25	مؤلفه اصلی معناآفرینی آموزشی		
مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
تاکید بر سوژه شهروندی	0/782	0/001	سؤال 26	0/816	0/001	21/300	مناسب
			سؤال 27	0/834	0/001	22/182	مناسب
			سؤال 28	0/886	0/001	25/200	مناسب
			سؤال 29	0/884	0/001	-	مناسب
خلق صورت‌بندی جدید آموزشی	0/522	0/001	سؤال 30	0/853	0/001	12/454	مناسب
			سؤال 31	0/861	0/001	12/523	مناسب
			سؤال 32	0/927	0/001	13/046	مناسب
			سؤال 33	0/584	0/001	11/225	مناسب
			سؤال 34	0/724	0/001	-	مناسب

مؤلفه اصلی بازآرایی محیطی							
مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
تجدید ساختار محیطی	0/782	0/001	سؤال 35	0/920	0/001	26/170	مناسب
			سؤال 36	0/853	0/001	22/420	مناسب
			سؤال 37	0/866	0/001	-	مناسب
غنی‌سازی محیطی آموزشی	0/522	0/001	سؤال 38	0/739	0/001	18/422	مناسب
			سؤال 39	0/753	0/001	18/996	مناسب
			سؤال 40	0/798	0/001	21/171	مناسب
			سؤال 41	0/890	0/001	26/918	مناسب
			سؤال 42	0/904	0/001	-	مناسب

جدول 8- روابط مفاهیم با مقوله‌های فرعی در مؤلفه‌های اصلی مرتبط با پیامدهای مدل تحقیق

مؤلفه اصلی پیامد فردی							
مقوله فرعی	بار عاملی	سطح معناداری	مفاهیم	بار عاملی	سطح معناداری	مقادیر بحرانی	نتیجه
ساخت‌شکنی در ساحت‌های توانمندی	0/782	0/001	سؤال 1	0/797	0/001	-	مناسب
			سؤال 2	0/774	0/001	17/166	مناسب
			سؤال 3	0/735	0/001	16/036	مناسب
			سؤال 4	0/860	0/001	19/905	مناسب
			سؤال 5	0/875	0/001	20/418	مناسب
			سؤال 6	0/777	0/001	17/280	مناسب
			سؤال 7	0/898	0/001	21/225	مناسب
			سؤال 8	0/806	0/001	18/163	مناسب
			سؤال 9	0/862	0/001	19/963	مناسب
			سؤال 10	0/797	0/001	17/890	مناسب
			سؤال 11	0/869	0/001	20/194	مناسب
			سؤال 12	0/855	0/001	19/718	مناسب

مناسب	21/526	0/001	0/906	سؤال 13			
مناسب	20/135	0/001	0/830	سؤال 14	0/001	0/522	توسعه شهروند فعال
مناسب	22/724	0/001	0/892	سؤال 15			مدنی
مناسب	16/728	0/001	0/734	سؤال 16			
مناسب	24/255	0/001	0/925	سؤال 17			
مناسب	21/439	0/001	0/863	سؤال 18			
مناسب	-	0/001	0/832	سؤال 19			
مولفه اصلی پیامد اجتماعی							
نتیجه	مقادیر بحرانی	سطح معناداری	بار عاملی	مفاهیم	سطح معناداری	بار عاملی	مقوله فرعی
مناسب	20/619	0/001	0/884	سؤال 20	0/001	0/732	خلق همنوایی اجتماعی
مناسب	16/224	0/001	0/746	سؤال 21			
مناسب	-	0/001	0/816	سؤال 22			
مناسب	21/301	0/001	0/846	سؤال 23	0/001	0/970	مدیریت سایش اجتماعی
مناسب	21/833	0/001	0/858	سؤال 24			
مناسب	-	0/001	0/863	سؤال 25			
مولفه اصلی پیامدهای سازمانی							
نتیجه	مقادیر بحرانی	سطح معناداری	بار عاملی	مفاهیم	سطح معناداری	بار عاملی	مقوله فرعی
مناسب	20/427	0/001	0/820	سؤال 26	0/001	0/681	تجدید ساختار سازمانی
مناسب	18/523	0/001	0/854	سؤال 27			
مناسب	21/377	0/001	0/801	سؤال 28			
مناسب	19/212	0/001	0/879	سؤال 29			
مناسب	21/957	0/001	0/821	سؤال 30			
مناسب	16/836	0/001	0/894	سؤال 31			
مناسب	-	0/001	0/750	سؤال 32			
مناسب	17/900	0/001	0/762	سؤال 33	0/001	0/912	تحولات فرآیندی محتوایی
مناسب	21/738	0/001	0/859	سؤال 34			
مناسب	20/632	0/001	0/834	سؤال 35			
مناسب	17/576	0/001	0/753	سؤال 36			
مناسب	19/097	0/001	0/795	سؤال 37			
مناسب	22/431	0/001	0/875	سؤال 38			
مناسب	18/433	0/001	0/777	سؤال 39			
مناسب	21/345	0/001	0/850	سؤال 40			
مناسب	19/642	0/001	0/809	سؤال 41			
مناسب	22/226	0/001	0/870	سؤال 42			
مناسب	22/534	0/001	0/877	سؤال 43			
مناسب	21/838	0/001	0/862	سؤال 44			
مناسب	20/197	0/001	0/823	سؤال 45			
مناسب	-	0/001	0/840	سؤال 46			

از طرف دیگر بایستی عنوان کرد که برای بررسی شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی، از

شاخص‌هایی به شرح جدول زیر استفاده است که نتایج بودن برازش مدل داشت. بدست آمده به تفکیک ابعاد مدل تحقیق حاکی از مناسب

جدول 9- شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی (Habibi and Kolhi, 2022)

نام شاخص	مقدار استاندارد شاخص
χ^2	کمتر از 5
$\frac{df}{df}$	بیشتر و یا نزدیک 0/9
IFI	بیشتر و یا نزدیک 0/9
NFI	بیشتر و یا نزدیک 0/9
TLI	بیشتر و یا نزدیک 0/9
CFI	بیشتر و یا نزدیک 0/9
RMSEA	کمتر از 0/1

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی مدرسه کارآمد برای دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش و در قالب رویکرد پژوهشی آمیخته (کیفی-کمی) انجام شد. در تحقیق حاضر دو سوال کلی مطرح شد به گونه ای که سوال اول تحقیق بدین صورت مطرح شد که الگوی مدرسه کارآمد برای دوره ابتدایی آموزش و پرورش دولتی ایران چگونه است؟ سوال دوم این تحقیق بدین صورت مطرح شد که الگوی پیشنهادی تحقیق از چه درجه اعتباری برخوردار است؟ در خصوص پاسخ به سوال اول تحقیق، یافته های بخش کیفی، مبتنی بر بکارگیری نظریه داده بنیاد نشان داد الگوی مفهومی شکل گیری مدرسه کارآمد از حیث شرایط علی شامل 4 ابعاد تغییر سپهر آموزش کنونی، مدرسه به مثابه اجتماع، توسعه گفتمان های آموزشی و توسعه عدم تجانس ها و 12 مولفه است. از حیث شرایط زمینه ای شامل 2 بعد مساله مندی مدرسه و رشد گرایش تحول گرایانه و 4 مولفه مرتبط بدان است. از حیث شرایط مداخله گر شامل 2 بعد بازاندیشی انتقادی در آموزش و پرورش و بنیادگرایی آموزش و 5 مولفه مرتبط بدان است. از حیث راهبردها مشتمل بر 4 بعد راهبرد تسهیل گیری جریان آموزش، نهادینه سازی سیستم باز، معناآفرینی آموزشی و بازآرایی محیطی و 9 مولفه مرتبط بدان است و نهایتا از حیث پیامدها دارای 3 پیامد فردی، اجتماعی و سازمانی و 6

مولفه مرتبط بدان است.

از طرف دیگر در خصوص پاسخ به سوال دوم تحقیق، یافته های بخش کمی تحقیق در خصوص اعتباریابی سازه‌های شکل دهنده مدل تحقیق مبتنی بر بکارگیری روش تحلیل عاملی تاییدی نشان داد که تمامی ابعاد و مولفه‌های مطروحه در الگوی تحقیق، دارای بارعاملی بالاتر از 0/5 هستند. همچنین بررسی شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه تحقیق به تفکیک شاخص های برازش (مطروحه در جدول 9) تایید گردید که حاکی از مناسب بودن برازش مدل داشت. گفتنی است یافته های بدست آمده از پاسخ به دو

سوال تحیق حاضر، با نتایج تحقیقاتی چون: (Gurr et al (2022) (اشاره به یادگیری مهارت ها، مشارکت، کار تیمی، تفاوت های شخصیتی)، Pekkolay (2021) (اشاره به مشارکت موثر معلمان در مدیریت مدرسه و توجه به شبکه های ارتباطی، حمایت و تشویق مدیران مدارس و تلاش تیمی، ایجاد تعاملات عمیق و گسترده)، (Walke et al (2018) (مبنی بر بکارگیری تدریس های چالش انگیز مبتنی بر دگرگون سازی برنامه‌های درسی، مشارکت جمعی کلیه کادر مدرسه و حداکثر ارتباط بین معلمان و دانش آموزان در راستای بهبود یادگیری)، (Ebrahimi Tabar et al (2023) (توجه به بازنگری در پذیرش و جذب معلم، استقلال در پرورش و انتصاب مدیران مدارس، کارآمدی معلمان و

یادگیری فردی آن کارایی و خروجی پیشین را نداشته باشد و از اینروست که بنظر می رسد توجه به یادگیری گروهی و جمعی و گرایش به همکاری و اقدام جمعی از مهمات شکل گیری مدرسه کارآمد است. عصری که در آن محیط مدرسه می بایست به کانون زندگی تبدیل شود و با هدف ارتقای مهارت های انسان اجتماعی، خودآگاهی و ساخت انسان چندوجهی و نقش پذیری هر چه بیشتر دانش آموزان سواد زندگی کردن را به آنها بیاموزد.

در تبیین ابعاد و مولفه های مطروحه عوامل زمینه ای مدل تحقیق می توان عنوان داشت که بنظر می رسد مدارس سنتی فعلی به طیف متنوعی از توانمندی ها و تخصص ها، عاملیت انسان در نظام آموزشی و رویکردهای تعامل گرایانه در نظام تبادلی بین معلم و دانش آموزان بی توجه هستند. از اینروست که مدارس مزبور مبدل می شوند به مکان هایی برای پرورش افراد به مثابه مقلد، پیرو و فاقد تفکر مستقل که چنین تربیت آفت مندانه ای قطعاً در ادامه مسیر تحصیلی دانش آموزان، می تواند با خودمختاری، خودآیینی و خودسامان گرایی آنان را مبدل به هیچ سازد. از اینرو بنظر می رسد در تحقق مدرسه کارآمد، رفع چالش های منابع انسانی و کمبود ظرفیت های فیزیکی مادی برای بهبود سطح ارتباطات بین کلیه عناصر آموزشی مدرسه مهم و حائز اهمیت باشد. همچنین رشد گرایش تحول گرایانه به عنوان یکی از ابعاد شرایط زمینه ای در شکل دهی الگوی مدرسه کارآمد، از این حیث قابل تبیین است که برخلاف مدارس سنتی منفعل پیشین بنظر می رسد نسل جدید مدارس بایستی مبدل به مکان هایی شوند در راستای ارتقای سطح نقش آفرینی معلمان در راستای بهبود ظرفیت پیونددهی دیدگاه های متناقض و نقش آفرینی جدی معلمان در تدوین و نقد برنامه های درسی کنونی و آتی. همچنین در فرم مدارس جدید با رویکرد کارآمدی نیاز است ظرفیت نقش آفرینی اولیای دانش آموزان بیش از پیش مدنظر قرار گیرد تا ایشان بتوانند مبتنی بر چنین ظرفیتی در عرصه تعاملات اجتماعی با ارکان مدرسه فعال تر و موثرتر عمل نمایند.

مدیران مدارس)، (Izan & Ahmadi aliabadi (2022) (مبنی بر امکانات و تجهیزات مدرسه به عنوان شاخص های مدرسه کارآمد) همسوست و مطابقت دارد. در تبیین ابعاد و مولفه های مطروحه عوامل علی مدل تحقیق می توان عنوان داشت که شرایط کنونی نظام آموزشی می طلبد که به علت مواجهه جوامع بشری با سیل عظیمی از پدیده های مختلف و متنوع و در عین حال پیچیده، بازاندیشی و تحول جدی در نظام مدرسه داری صورت گیرد. بنظر می رسد چنین تحولی می تواند به تحقق مدرسی کارآمد که بتواند تربیت دانش آموزان را از حالت انفعالی و سنتی پیشین خارج کرده و به سمت و سوی مدرسی هدایت نماید که به تربیت دانش آموزانی انتقادمآب، جسور، آفریننده و ایده پرداز تمایل دارند، کمک کند. از طرف دیگر با عنایت به پیچیدگی های محیط های آموزشی و فرایندهای یادگیری و همچنین شرایط کنونی توسعه گفتمان های مختلف، متکثر و پیچیده در سطح نظام آموزشی دنیا، ایجاب می کند که فضای طراحی و شکل دهی مدارس به هدف مهمی چون شالوده شکنی در آموزش با هدف جایگزینی تربیت دموکراتیک با تربیت مستبدانه و تبدیل مدیران و معلمان به مجتهدان آموزشی نگاهی جدی داشته باشند. ضمناً عصر کنونی آموزش و یادگیری نیازمند توجه به تفاوت ها و رشد چندصدایی و چندفرهنگی است. چرا که در راستای طبقه بندی برنامه درسی، طراحی آموزشی، ارزشیابی و رهبری برای بهبود مدرسه، دیگر نمی توان یک نسخه واحد را طرح ریزی کرد و همگان را به اجرای آن ملزم کرد و انتظار خروجی و بازدهی مثبت از کلیه افراد اعم از دانش آموزان و کادر آموزشی مدرسه داشت. توجه به تفاوت ها در مدارس عصر جدید برخلاف عصر پیشین، این توانایی را دارد که به بهبود توانمندسازی و ارتقای سطح مسئولیت پذیری جمعی کمک نماید و نتیجتاً پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و ارتقای انگیزه و شوق یادگیری و یاددهی در میان تمامی عناصر آموزشی مدرسه را سبب شود. از طرف دیگر بنظر می رسد با توجه به پیچیدگی های محیط های امروزی، دیگر

بین معلمان و دانش آموزان را فراهم نماید. همچنین راهبرد تسهیل گری جریان آموزش می تواند به بهبود شرایط کسب تجارب مختلف و متنوع (تجربه محوری هدفمند) در راستای تسهیل شرایط یادگیری نیز کمک نماید و عملاً به تجمیع تجارب موجود در مدرسه برای ارتقای سطح آموزش و یادگیری دانش آموزان و نهادینه سازی شبکه دانش در سطح مدرسه کمک نماید و فضای تک ساحتی، اقتدارگرا، متمرکز محور که محل تفکر انتقادی، مشارکت فعال و تکررگرای ارتباطی است را دهم بشکند. همچنین مدرسه کارآمد به عنوان شکل نوینی از مدارس آتی، بایستی در پی شکل دهی ساختاری باشد در راستای به چالش کشیدن اقتدارگرایی محض فعلی که اساساً محل تکررگرای آموزشی و گفتمان وفاق بین معلم و اولیا و دانش آموزان است. لذا راهبرد کثرت گرایی ارتباطی و اقتدارزدایی می تواند منتج به گسترش ارتباطات هدفمند، موثر و قابل اتکا، روابط خوب بین مدرسه و والدین، گسترش ارتباطات و تعاملات بین مدرسه، معلمان و دانش آموزان و سایر عناصر آموزشی شود و نتیجتاً تسهیل در امر تفکر انتقادی و یادگیری فعال را به عنوان فرصتی کلیدی در جهت رشد دانش آموزان فراهم سازد. راهبرد معناآفرینی آموزشی، در پی تحقق خلق صورت بندی جدیدی از آموزش در سطح مدارس است. به گونه ای که مبتنی بر آن، کلاس درس به محلی برای کاوش و اکتشاف تبدیل شده، فرصت های علمی و عملی بیشتری در تقویت مهارت های زندگی برای دانش آموزان فراهم شود. همچنین چنین راهبردی می تواند به یکپارچه نمودن فرآیند یادگیری، توسعه برنامه ریزی درسی مشارکتی، رشد روحیه پرسشگری، رشد تفکر انتقادی در میان دانش آموزان و ترویج یادگیری برای زندگی با دیگران کمک نماید. نهایتاً الگوی مدرسه کارآمد، با بازآرایی محیطی در پی آن است که بهسازی چیدمان های محیط آموزشی، تجهیز محیط متناسب با نیاز فراگیر و برنامه درسی و بستر سازی در راستای تدارک فرصت های یادگیری بیشتر را محقق سازد و سمبل های فرهنگی را در محیط مدارس برای

در تبیین ابعاد و مولفه های مطروحه عوامل مداخله گر مدل تحقیق می توان عنوان داشت در شرایط کنونی نظام آموزشی کشور و مخصوصاً کارکرد مدارس، می توان به خوبی به کمبود توجه این مدارس به سیر شتابان تغییرات مداوم و مستمر محیطی اشاره کرد. چنین بی توجهی یا کم توجهی می تواند گفتمان سازنده دانش به عنوان گفتمان مسلط را دچار خدشه ای جدی نماید و نتیجتاً محتوای آموزشی ارائه شده در فضای مدارس را از هدف مهم خود که بایستی مبتنی بر اقتضائات محیطی و زندگی باشد، دور سازد و به محتواهایی کم سطح و بی عمق تبدیل نماید. چنین محتوایی با هدف کلیدی توسعه علم به مثابه قدرت در سطح جوامع امروزی در تضاد است و عملاً نمی تواند به تحقق آن کمک نماید. از اینرو به نظر می رسد در شکل گیری مدرسه کارآمد، به عنوان ساختاری نوین در نظام آموزشی برای عمق ورزی به محتوای آموزشی مبتنی بر اقتضائات محیطی و زندگی، بایستی فضای فعلی آموزش و یادگیری در جریان مدارس با رویکرد و نگاهی انتقادی و همه جانبه نگریسته و مورد کنکاش قرار گیرد تا بتوان دانش و دانش ورزی به عنوان گفتمان مسلط را در فضای مدرسه جاری و ساری نمود و در مسیر تحقق چنین مهمی، از ظرفیت کلیه ذینفعان نظام آموزشی استفاده بهینه کرده و رویکرد تک صدایی پیشین را که محل مشارکت موثر همگان برای پیشبرد اهداف مدارس امروزی برد، حذف نمود.

در تبیین ابعاد و مولفه های مطروحه راهبردهای تحقیق می توان عنوان داشت که شرایط محیطی پیچیده کنونی و قرار گیری بشرکنونی در عصر اطلاعات و ارتباطات که مشخصه آن ابهام، عدم اطمینان، پیچیدگی و عدم قطعیت است، این نیاز را برای هر نظامی از جمله نظام آموزشی بوجود آورده است که برای بهبود و ارتقای سطح یادگیری و عمق بخشی به فهم دانش آموزان در برخورد و مواجه با پدیده های مختلف و متنوع، بایستی جریان آموزش به شکل یک زیست بوم یادگیری عمل نماید تا بتواند موجد یادگیری انعطاف پذیر و ابداعی برای معلم و دانش آموز شده و شرایط توسعه یادگیری تعاملی

آموزشی موجود و سنتی، رشد توانایی کنکاش و جستجوگری محیطی، ارتقا کیفیت زندگی سازمانی برای دانش آموزان و معلمان و ارتقای ظرفیت جذب دانش افراد فراهم سازد.

در مجموع، نظر به بحران کمبود منابع (مالی، انسانی، فیزیکی و...) که مدیران مدارس امروزی با آن دست و پنجه نرم می کنند لزوم توجه به ساختارهایی که بتواند با تمرکز بر الزامات شکل گیری مدارس و احصای عوامل موثر، دست به ارائه یک الگوی منسجم و برخوردار از مبانی تئوریک و منطبق با واقعیات جامعه در زمینه مدارس بزند ضرورتی است که به شدت نیاز به آن احساس می گردد. تجارب پیشین نشان داده است نوعا سازه مدرسه به عنوان یک سیستم اجتماعی همواره مورد توجه صاحب نظران مدیریت آموزشی بوده است و اصلاحات بی شمار، سیاست های بسیار و برنامه های متعددی برای کاهش نقاط ضعف مدارس برای هم راستایی و همخوانی با تغییرات محیطی با هدف معناآفرینی آموزشی و تغییر زیست بوم آموزش و یادگیری انجام شده است تا بتواند در عصر کنونی، دانش آموزانی را تربیت نموده و به جامعه تحویل دهد که نه صرفا افراد منفعل و پذیرنده، بلکه مشارکت جو، نقاد، مساله جو و پرسشگر باشند. چنین مدرسی به دنبال اشاعه رویکرد تحول خواهی و گفتمان محوری اند و ساختاربندی جدید، بهسازی چیدمان های محیط آموزشی و توسعه جذبه های زیبایی شناسی محیط آموزشی مدنظر طراحان آن است که راه رسیدن به این مهم از میان رفتن انگاره های مرکز و حاشیه است تا صداهای بیشنری به گوش برسد. همچنین از حیث محتوایی در آن، از نامتجانسی و اختلاف عقیده، بی توافقی و تضاد و خودآفرینندگی معلم و دانش آموز استقبال نموده و پذیرای تکثر فرهنگی است. لذا آنچه که به عنوان الگوی مدرسه کارآمد در این تحقیق مطرح شد، طرحی است برای خروج از الگوی متعارف کنونی و خواستن شیوه متفاوت اندیشیدن و متفاوت نگاه کردن به معلم، مدرسه، دانش آموز و طرح ریزی برنامه درسی بر

غنی سازی محیط آموزشی وارد نماید تا از این طریق بتواند به خلق صورت بندی جدید آموزشی با هدف تاکید بر نامتجانسی و اختلاف عقیده و توسعه برنامه درسی بر مدار زندگی نائل شود.

در تبیین ابعاد و مولفه های مطروحه پیامدهای مدل تحقیق می توان عنوان داشت با شکل گیری مدرسه کارآمد همچون سایر پدیده های جامعه شناختی، پیامدهایی در سطح فرد، اجتماع و سازمان شکل می گیرد. شکل گیری مدرسه کارآمد به زعم محقق، می تواند پیامد فردی داشته باشد چرا که چنین مدرسی می تواند بر رشد توانایی خوانایی و نویسایی، تولیدگری ایده نزد معلم و دانش آموز، تاب آوری و ریسک پذیری، توانایی نقادگری فردی تاثیر بگذارد و زمینه را برای توسعه انسانی تحول خواه، منتقدگرا و پویا در محیط آموزشی آماده سازد و نتیجه چنین مهمی خلق شهروند فرهنگی-اجتماعی و یک کنشگر اجتماعی فعال در تعاملات آتی خواهد شد. از منظر پیامد اجتماعی، شکل گیری مدرسه کارآمد می تواند با ایجاد همخوانی، همفکری و یادگیری جمعی، زمینه را برای رضایتمندی عمومی افراد از حضور و نقش آفرینی در محیط آموزشی فراهم سازد. ضمن آنکه خود می تواند سبب ایجاد نقشی کنترل کنندگی در رفتارهای انحرافی احتمالی و توسعه دهنده عقلانیت مداری اجتماعی افراد نیز شود. از منظر پیامد سازمانی، شکل گیری مدرسه کارآمد، چه از جنبه ساختاری و چه فرآیندی و محتوایی نوعاً تحول آفرین خواهد بود. بطوریکه از جنبه ساختاری، شکل گیری مدرسه کارآمد می تواند به ساخت مدرسی منجر شود که در آن ها پرهیز از مدیریت گرایی و شاخص سازی، خروج از توهم ایدئولوژیک و پرهیز از تجویز گرایی آموزشی به خوبی نمایان است. چنین مهمی می تواند به ایفای نقش کنشگر اجتماعی مدرسه در فضای پیرامونی خود کمک شایانی نماید. با این حال از جنبه محتوایی و فرآیندی هم شکل گیری مدرسه کارآمد می تواند زمینه را برای افزایش نشاط سازمانی، رشد فرایند یادگیری سازمانی در سه حوزه اکتشافی، تبدیلی و استخراجی، مقابله با کلیشه های

- open systems model of successful school leadership. *Journal of Educational Administration*, 60(1), 21-40.
- Habibi, A, Kolahi, B. (1401). Structural Equation Modeling and Factor Analysis. Tehran: *Jahad Daneshgahi*, Second Edition.
- Izan, M., & Ahmadiabadi. A. (2022). Analyzing the Lived Experience of Principals and Teachers of the Opportunities and Challenges of the KARAMAD Plan (the Empowering School Providing Solutions to Its Challenges. *Journal of Teacher's Professional Development*, 7(1), 83-109. [in Persian]
- Jafari, S. (2021). Developing and Validating a School-Based Management Model Based on of the Fundamental Reform Document. *Organizational training management*, 10(2), 187-223. [in Persian]
- Khosravi, S., Gargij, M., & Sanchouli, S. (2022), The position of the effective school from the perspective of the fundamental transformation document with the school approach in the horizon of 2022. *Journal of New Advances in Psychology, Educational Sciences and Education* 5(52), 394-411. [in Persian]
- Parlar, H., & Cansoy, R. (2017). The Effect of Bureaucratic School Structure on Teacher Leadership Culture: A Mixed Study. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 17(6), 2175-2201.
- Pekkolay S. (2021). Effective School Management. *Journal of Advances in Education and Philosophy*, 5(8), 231-235.
- Perawironegoro, D. (2018). The Relationship between Organizational Structure and Organizational Culture with Teacher Performance in Pesantren. In 3rd Annual International Seminar on Transformative Education and Educational Leadership (AISTEEL 2018). Atlantis Press.
- Ramezani, M. (2023). *Investigation of factors affecting learning of elementary school students*. Eighth National Conference on Modern Research in Educational Sciences and
- مدار زندگی، بسترسازی در راستای تدارک فرصت های یادگیری بیشتر و توسعه زیست معنادار دانش آموزان در محیط مدرسه برای تولید گری ایده، رشد توانایی خوانایی و نویسایی، توسعه قابلیت های پژوهشی و افزایش تاب آوری و ریسک پذیری است به جهت آماده شدن برای زندگی موثر در بستر زمان.
- در پایان بایستی عنوان کرد که این تحقیق با محدودیت هایی از جمله: عدم استفاده از روش های نمونه گیری تصادفی ساده، عدم تعمیم نتایج تحقیق به سایر دوره ها (چرا که مدل مدرسه کارآمد در این تحقیق، برای دوره ابتدایی آموزش و پرورش دولتی ایران احصا شده است) و عدم استفاده از سایر روش های پژوهش کیفی روبرو بوده است.
- ### منابع
- Danaeifard, H., & Eslami, A. (2010). *Application of grounded theory research strategy in practice; Construction of organizational indifference theory*. First edition, Tehran: Imam Sadeq University. [in Persian]
- Ebrahimi Tabar, R., Sattari, S., Soleimani, T. (2023). Designing an effective management model in third millennium schools (case study of school principals in Ardabil province), *Sociology of Education*, 9(1), 137-146. [in Persian]
- Ghasemzade, A., Maleki, S., & Moradiezziati, N. (2020). The Causal Effect of Enabling school Structure and Teacher's Collective Responsibility on Academic Optimism in Mediating Affective Commitment. *Training & Learning Researches*, 17(1), 49-60. [in Persian]
- Gray, J., Kruse, S., & Tarter, C. J. (2016). Enabling school structures, collegial trust and academic emphasis: Antecedents of professional learning communities. *Educational Management Administration & Leadership*, 44(6), 875-891.
- Gurr, D., Drysdale, L., & Goode, H. (2022). An

- effectiveness and improvement (pp. 659-678). Dordrecht: Springer Netherlands.
- Zahed Babalan, A., & Mohammadi, T. (2023). A Three-layer Pattern for Feasibility and Establishment of Life School by Meta-synthesis Method. *Educational and Scholastic Studies*, 12(1), 425-450. [in Persian]
- Zahedipour, M., Oladian, M., & Hosseini, R. (2021). Presenting the Model of Effective Schools Based on Learning Organization (Case study: Elementary Schools in Tehran). *Sociology of Education*, 7(2), 229-240. [in Persian]
- Psychology of Iran, Tehran. [in Persian]
- Rhoads, D. H. (2019). *Enabling structure and collective efficacy: a study of teacher perceptions in elementary divisions of American schools in Mexico*. Seton Hall University.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage.
- Walker, A., Hallinger, P., & Qian, H. (2018). *Leadership development for school effectiveness and improvement in East Asia*. In International handbook of school